



committee for a workers' international

PO Box 3688, London, Britain, E11 1YE
Tel: ++ 44 20 8988 8760
Fax: ++ 44 20 8988 8793
cwi@worldsoc.co.uk

انقلاب ایران در حال حاضر در کجا قرار دارد؟

Tony Saunois, CWI

طبقه کارگر باید تصمیم به دخالت در مبارزات بگیرد

سی سال بعد از انقلاب 1357 ایران، دوباره مردم بخاطر تقلب در انتخابات ریاست جمهوری به خیابانها ریخته و اعتراض کردند. در زمان کوتاهی بعد از اعلام پیروزی احمدی نژاد با رقم 64٪، معلوم شد که 85٪ آرا س اعلام شده تحریف شده اند.

این مسئله باعث سرازیر شدن صدها و هزاران نفر - بنا به نقل از رسانه های جهانی میلیونها نفر - به خیابانها شد. بزرگترین میزان تظاهرات از تهران گزارش شده است. دانشجویان، طبقات متوسط و بخشهای بیکار و فقیر و کارگران به خیابانها آمده بودند تا به آرای دزدیده شده شان اعتراض کنند و خواهان برکناری احمدی نژاد از مقام خود بودند. در این حال و در هفته های آتی اوضاع انقلابی بسرعت در حال اوج گرفتن بود. این دیگر روشن شده است که وضعیت ایران دیگر به حالت قبلی برنخواهد گشت. این حرکت خودبخودی می تواند شرایط را تغییر دهد و به حذف دیکتاتوری پا بدهد.

برای گسترش مبارزه و این جنبش و انتخابات به شیوه دیگری حضور زنان جوان که سالها در تاریخ ایران تحت ستم بوده اند لازم و ضروری بود. این مورد قبل از کمپین انتخابات هم مشهود بود. برای اولین بار در ایران، همسر میز حسین موسوی-زهره رهنورد- نقشی را بازی کرد تا این بخش عظیم از مردم را وارد صحنه کند و زنان جوان را با واژه "برابری" به میدان آورد.

از آنجاکه رسانه ها هیچ پوششی از مبارزات نمی دادند، جوانان با استفاده از فیس بوک و توئیتر و ... تمام سعی خود را در انتقال اخبار مبارزات بکار بردند. رقم وبلاگهای ایجاد شده در این مدت از میانگین تمام کشورها بالاتر بود. تظاهرات مردم روند جنبش را از تلاش فقط در برابر تقلب انتخاباتی به رادیکالیسم هدایت کرد. حمله های وحشیانه رژیم به مردم، ترس آنها را از نیروهای سرکوبگر ریخت. نمونه آن فریاد های مردم بر سر نیروی ویژه نظامی بسیج بود "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"

نکته دیگر اینکه دانشجویان و جوانان نوک پیکان این مبارزات بودند. طبیعت سرکوبگر این رژیم تئوکراتیک محرک اصلی حضور جوانان در صحنه بود. در برابر باتوم های بسیجی ها، این لباس های عجیب، موسیقی های طغیانگر و ... بود که مبارزه جوانان را رادیکال تر می کرد. در جامعه ای که 60٪ آنرا جوانان زیر 30 سال تشکیل می دهد، کنترل آنها بسیار سخت است. مهمترین خواست آنها در این اوضاع، مطالبات دموکراتیکی است که سالهاست آنرا فریاد می زنند. این فریاد جوانان نیروی محرکه کل جامعه معترض بود.

علاوه بر تمام اینها نارضایتی مردم در سالهای ریاست جمهوری احمدی نژاد را هم باید متذکر شد. انتخاب او در سال 1384 سوار شدن بر موج نارضایتی توده های فقیر و بی چیز بود. ولی این فریب خیلی زود رنگ باخت و تبلیغات دولتی آنها برملا شد. در حالیکه 70٪ جمعیت در شهرهای بزرگ و فقیر زندگی می کنند، تصاویر رسانه های دولتی بسیار دروغ پردازی می کنند.

پوپولیست ارتجاعی

پایه اینها افشار مذهبی و فقیر بود که به آنها سرویس می دادند و همچنین نیروهای لیبرالی که با گرایشهای مذهبی - ملی رابطه با غرب بخصوص امپریالیست آمریکا را رله می کردند.

در طول انتخابات 1384 احمدی نژاد با شعار جمهوری فقرا که در سال 57 داده می شد پیش آمد. این سیاست باعث شد تا وی با الیگارشسی نفتی رفسنجانی روبرو شود و یک الیگارشسی ثروتمند دیگر را شکل دهد. هنوز هم احمدی نژاد قهرمان مردم فریب است و این موضوع از دوره سرکوب مبارزات کارگران اتوبوس رانی به اینطرف برملا شده است. با افزایش تورم به 30٪ و بالا رفتن نرخ بیکاری، زیر فقر بودن 25٪ از جامعه بطور ثابت و این اواخر حذف سوبسید بنزین، مردم را بیش از پیش عاصی کرد.

احمدی نژاد همچنین دست به میلیتاریزه کردن دولت و شهرها و محلات زد و در این رابطه فشار و سرکوب ویژه ای بر جوانان وارد آورد. احمدی نژاد که خود یکی از مقامات سپاه پاسداران بود، با آوردن تعداد زیادی سپاهی در وزارت خانه ها بعنوان وزیر، توانست احاطه سپاه و ارگان اولترا نظامی بسیج را بر نفت و صنایع نفتی تحکیم کند. جنبش مردمی در ایران که از بعد از 1979 بی سابقه می نمود، باعث شد تا شکاف ایجاد شده در هیات حاکمه رژیم، برای مردم عیان شود و آنها را بحرانی کند. اعلام شدن برخی آمار عجیب و غریب از تقلب گسترده در انتخابات، باعث وخیم تر شدن اوضاع، سانسور خبری، اخراج روزنامه نگارانی مثل "Robert Fisk" از ایران شد. وارد شدن مردم به عرصه مبارزات همانطور که تروتسکی در "تاریخ انقلاب روسیه" آورده است یکی از نشانه های انقلاب است.

چه شکلی از انقلاب

شکلهای متفاوتی از انقلاب وجود دارد، انقلاب بورژوا-دموکراتیک در قرون 17 و 18 در اروپا که جوامع فئودالی را برانداخت. یا انقلاب سوسیالیستی در 17 اکتبر در روسیه که سرمایه داری تزاری را برانداخت و جامعه ای با حاکمیت دموکراسی کارگری ایجاد کرد. این نتیجه پیروی از یک مرکز سیاسی انقلابی بود که بعدا این دستاورد کارگری دزدیده شد.

نیروهای انقلابی هم می توانند پیروز مبارزات سیاسی باشند به شرطی که تحلیل طبقاتی مناسبی از جامعه ارائه بدهند. در شرایط فعلی در ایران یک انقلاب سیاسی در چهارچوبه سرمایه داری در حال شکل گرفتن است. در طول این پروسه، سئوالات و مطالباتی پیش روی مردم قرار می گیرد که در سیستم اجتاعی سرمایه داری به آن نمی شود پاسخ داد. بحثها و مواردی که در دوره مناظرات تلویزیونی بین موسوی و احمدی نژاد هم شاهد آن بودیم. الان سئوال اساسی در ایران اینست که این جنبش چگونه به پیش خواهد رفت و کاراکتر رژیم آینده چیست؟ در این سطح از رویدادهای اخیر شرایط برای پیش بینی آینده تا حد زیادی ناروشن است. ولی آنچه روشن است اینستکه اوضاع جامعه عوض شده و شرایط می تواند بسرعت انقلابی شود.

لنین درباره شرایط مختلف مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی بطور مفصل بحث کرده است. اول؛ شکاف و اختلاف در هیات حاکمه بسیار ضروری و مهم است، دوم نارضایتی طبقات متوسط از اوضاع و بسیج شدن برای انقلاب می باشد، سوم اینکه سازمان یافتگی طبقه کارگر برای انقلاب است و چهارم وجود یک حزب سوسیالیستی انقلابی مردمی است که بتواند مبارزات را بروشنی رهبری کند. رهبری تمام مردم و بخصوص قشر آگاه و فعال طبقه کارگر. مسلما در حال حاضر در ایران دو تا از شرایط مذکور وجود دارند. این ساده انگاری است که بخواهیم اوضاع فعلی ایران را ساده بیانگریم. سازمان یافتگی طبقه کارگر تاکنون روشن و مشخص نبوده و نتوانسته اند مهر خود را بر جنبش بکوبند بعنوان یک نیروی مستقل موجود. چهارمین شرط مورد نظر لنین که وجود یک حزب سوسیالیست انقلابی برای رهبری جنبش است، هنوز در حال ایجاد است. این مورد نیاز دارد به تشکیلات مستقل کارگری، کمیته های انتخاباتی مستقل کارگران، اتحادیه های مستقل کارگری و ... که هنوز در حال شکل گیری است و باید ایجاد شود. غیاب آگاهی طبقاتی در بین جنبش مردمی و نبود مشخص حزب رهبری کننده انقلابی، می تواند به هدر رفتن جنبش پا بدهد. بدون ثابت شدن این مورد در جامعه، نمی توان دورنمای برای انقلاب دید. البته اعتراضات ایران دارد به سمت اعتلا پیش می رود.

شکاف و انشعاب در رژیم

این روشن است که یک شکاف عمیق در هیات حاکمه ایران اتفاق افتاده است. این شامل اختلاف اساسی بین نیروهای حامی احمدی نژاد و نیروهای جناح دیگر رژیم در هیات حاکمه است. دستگیری تعدادی از فرزندان هاشم رفسنجانی - رئیس جمهور سابق - به عمیق تر شدن این اختلاف دامن زد.

رقابت بین احمدی نژاد و موسوی وقتی اوج گرفت که مردم وارد خیابان ها شدند و موسوی شروع کرد به دادن بیانیه هایی که بر توهم مردم سوار شود، درحالیکه برنامه اش مبتنی بر نظرات تئوکراتیکی بود که سالها و از 1979 تاکنون و در زمان نخست وزیری وی نیز در ایران جاری بود. این برنامه برای فشار بر فشار و سرکوب بر نیروهای انقلابی چپ با حکمی بنام "فتوا" بود که توسط رهبر مذهبی - خمینی - برای سلمان رشدی "Salman Rushdie" هم صادر شد. قول موسوی در دوره انتخاباتش، ایجاد رفرفرم در بازرگانی شدن سیستم و فضای اجتماعی، رشد و گسترش اقتصاد آزاد و لیبرالی، گسترش برابری زنان و ... بود اما تمام اینها در چهارچوب دینی نظام امان پذیر است. برنامه او بنام رفرفرم، بطور مشخص در برابر گرایشات و تغییرات انقلابی عمل می کرد.

این بسیار مهم است که مردم به مبارزات خیابانی خود ادامه دهند، زیرا در این شرایط که در برابر خواستههای برحق مردم، احمدی نژاد و خامنه ای کمر به سرکوب خونین آنها بسته اند و از هر نیرویی برای سرکوب و کشتار جوانان استفاده می کنند، از طرفی مبارزات رادیکال تر می شود و از طرف دیگر شکاف دو جناح را به پایه های آنها نیز کشاند.

همان چیزی که تروتسکی درباره Berenguer در جنگ داخلی اسپانیا در 1931 گفته بود، درباره موسوی هم صادق است. بازکردن فضای سیاسی برای خاموش کردن آتش انقلاب! در شرایطی که این مطلب نگاشته می شود هنوز مشخص نیست که مردم تا چه حد به رویارویی مستقیم با رژیم ادامه خواهند داد. خیلی از این مطالب بر اساس خبرهایی ست که توسط فعالین سیاسی در فیس بوک و توئیتر و آکسیونها منتشر شده است. دانشجویان دانشگاه تهران با اشغال مداوم دانشگاه تا 19 جون مقاومت کردند و بعد از طرف آنها یک مبارزه عمومی برای سه شنبه 22 جون فراخوانده شد. در طول درگیریها و اعتراضات روزهای بعدی هم شجاعت ها و فدکاری های زیادی از دانشجویان جوان نشان داده شد. هرچه سرکوب های رژیم شدت بیشتری یافت، مقاومت دانشجویان و جوانان هم شکلهای رادیکال تری بخود گرفت. ولی تا وقتی که طبقه کارگر بصورت رهبر جنبش وارد مبارزه نشود، نمی تواند مهر خود را بر این مبارزات بزند. ممکن است این مبارزات به شکل خونین تری دنبال شود و با حضور طبقه کارگر به مبارزات این احتمال بیشتر است. در تمام این حالات موسوی و شرکایش دنبال این هستند که جنبش را تحت رهبری خود در آورند.

طبقه کارگر

سؤال اساسی در ایندوره اینست که طبقه کارگر به این مبارزات خواهد پیوست یا نه؟ این شاید به معنی سقوط رژیم احمدی نژاد باشد یا شاید سرکوبی وسیع تر. البته باید به حضور کارگران ساختمان یا کارگران اطراف تهران در تظاهرات اشاره کنیم. بنابراین می توان امیدوار بود که شرکت و حضور کارگران در اعتراضات گسترده تر و بیشتر دنبال شود.

کارگران اتوبوس رانی که سابقه مبارزات ضد رژیمی زیادی دارند، نیز توسط منصور اسانلو-که به 5 سال حبس محکوم شده است- یک پیام همبستگی بسیار مهم و قاطع به مردم دادند مبنی بر عدم حمایت از هیچکدام از کاندیداها و حمایت از حقوق دموکراتیک مردم ایران و آزادی تشکل های کارگری و جوانان و ... البته در تمام اعتراضات جاری نیز حضور فعالین سندیکای اتوبوس رانی به چشم می آمد.

انقلاب فرآیندی زنده است که ساعت به ساعت و روز به روز رشد می کند. بسیاری از انقلابات با شورش های جوانان و دانشجویان و همچنین بخشهایی از طبقه متوسط آغاز می شوند. با شرکت و ملحق شدن طبقه کارگر به این مبارزات، می توان انتظار داشت که به فاز بالاتری ارتقاء یابد. این تجربه در می 1968 در فرانسه و در 1979 در خود ایران دیده شده است. الان سؤال اینست که کی این چهره از طبقه کارگر نشان داده خواهد شد.

بسیاری از دانشجویان از طبقات فقیر جامعه آمده اند و پتانسیل اینرا دارند که با حضور طبقه کارگر در صحنه، مبارزات را ارتقاء دهند. بسیاری از همین دانشجویان کسانی هستند که در حملات بسیجی ها در روزها و شبهای گذشته جان خود را از دست دادند و بسیاری از آنها دستگیر و زخمی شدند. این دانشجویان کسانی هستند که همیشه مبارزات کارگری در ایران را حمایت کرده اند و در صورت حضور کارگران در این دوره نیز باید منتظر رشادت های آنها باشیم.

در ایران ما یک آگاهی ملی خیلی گسترده داریم. مبارزات ملی عظیمی که همیشه برقرار بوده موید این است. جمعیتی که 52% آن فارس، 25% آذری، 8% گیلک و مازنی و 7% کرد (و بلوچ) هستند پتانسیل بالایی برای تغییرات انقلابی دارند. البته موسوی هم برای فریب مردم چندین بار به آذری سخنرانی کرده است!

مبارزات مردمی وارد فاز تازه ای شده است و البته این از 1378 تا کنون ادامه دارد. این حالت مانند شرایط انقلابی دوران بین 1905 تا 1917 در روسیه می ماند. در 1905 بخصوص در سنت پترزبورگ طبقه کارگر با قدرت در مبارزات شرکت کرد. آن تشکیلاتی که کارگران در 1905 بنام "شورا" شکل دادند، بعدها در انقلاب 1917 نقش بسیار موثری را در پیروزی انقلاب ایفا کردند. این رشد مبارزات در ایران نه کاملا ولی بسیار شبیه آن است.

در می 2009 هم برخورد خشونت بار رژیم با آکسیون کارگری در پارک لاله باعث دستگیری بسیاری از فعالین کارگری، دانشجویان و زنان شد.

آلترناتیو سوسیالیستی

این یک واقعیت است که رئیس جمهور "سوسیالیست!!!" ونزولا -چاوز- با تبریک و حمایت از احمدی نژاد باعث آبروریزی شد. این مساله بار دیگر چاوز را پیش مردم ونزولا رسوا کرد و اعتراضاتی را بر علیه او برانگیخت.

مبارزات جاری در ایران در حال ترقی است و مردم برای مطالبات دموکراتیک خود به شدت در حال جدال هستند. این مطالبات ضرورت وجود یک آلترناتیو سوسیالیستی را تاکید می کند. نیاز به سازماندهی ارگانها، کمیته ها و تشکلات دموکراتیک در کارخانه ها، دانشگاهها و مکانهای تحصیلی و کاری می باشد. اینها می توانند بیان یک آلترناتیو انقلابی برای مردم باشند. وجود دسته جات انتظامی مستقل از دولت، موجب آچمز شدن نیروهای ارتجاعی بسیج و سپاه پاسداران می شود و شمن ارتقای روحیه مبارزات مردم، نقش دفاعی از مردم شرکت کننده را نیز دارد.

کمیته های انتخاباتی و مبارزاتی می توانند جریان مبارزات را رادیکال تر کنند و محل رجوعی برای مردم در خیابانها باشند. با یک برنامه انقلابی می توان مبارزان کارگر و فقیر را سازماندهی کرد تا آنها بتوانند رهبری جنبش را در دست

بگیرند. برای احزاب سیاسی انقلابی؛ سندیکاها، کارگری مستقل، نشریات و روزنامه های آنلاین، تلویزیونهای مستقل که جدای از حمایت های دولتی کار کنند و ... بسیار مهم است که بتوانند در این جنبش به آگاهی مردم بیافزایند. خواست آزادی زندانیان سیاسی از مهمترین عرصه های مبارزه است که باید در این شرایط دنبال شود. در شرایطی که کارگران و جوانان می توانند سرنوشت ایران را عوض کنند باید مراقب نیروهای رنگارنگ بود. در این میان رل نیروهای سوسیالیست انقلابی، حمایت قاطع از این قشر است.

توضیح ضروری درباره شرایط جدید:

رضا فرنود

در شرایط فعلی جنبش مبارزات مردم فاز جدیدتری را طی می کند. سرکوبها دائمی شده و در شهرستانها ابعاد دستگیریها و شکنجه و ... بسیار گسترده است. کارگران و جوانان گروههای کوچک و مخفی خود را سازماندهی کرده و روند مبارزات شبانه بصورت کوچک به کوچک دنبال می شود. در این شرایط نیروهای رژیم با فعالینی طرف هستند که سازماندهی شده اند و برای مبارزه با سرکوبگران از روش های مبارزاتی استفاده می کنند.

بعد از سازشهای رهبران سبز و موسوی، جناح حاکم با رفسنجانی وارد معامله شدند. این مسئله باعث شد تا اصلاح طلبانی چون گنجی - از مجریان انقلاب فرهنگی - و سازگارا - بانی سپاه پاسداران - در آمریکا وارد عمل شده و با تلویزیونها و مدیای غربی به جعل دوباره تاریخ دست بزنند. در حالیکه شکاف هیات حاکمه بشدت عمق پیدا کرده و مردم با جان خود به مبارزه می پردازند، نیروهای راست و لیبرال طرفدار غرب به راه اندازی جبهه های اتحاد با احزاب سبز اروپایی و نیروهای مرتجع غربی دست می زنند. آمریکا مستاصل، دست اروپائیان خالی، کلید رژیم احمدی نژاد در روسیه، چین مترصد فرصت.

در چنین اوضاعی ست که رفقای بذر به تشکیل کمیته های خود در کارخانه ها، دانشگاهها و ... می پردازند و با کارگران، زنان و دانشجویان یک اتحاد استراتژیک را شکل داده اند. در خارج از کشور نیز بذر نقش یکی از موثق ترین رسانه های مردمی و آنلاین را ایفا می کند. رفقای بذر به حمایت تمامی نیروهای انقلابی و سوسیالیست دنیا نیاز دارند. برای انجام اینکار حرکتی جدی لازم است.

راه رهایی مردم، ادامه مبارزات و تشکیل سازمانهای مردمی به رهبری نیروهای انقلابی است. درود به مردم مبارز.